

بررسی انتقادی دیدگاه مستشرقان درباره نسخ در قرآن با تأکید بر ماجرای تغییر قبله

r.sirousirazi@alzahra.ac.ir
mhelahizadeh@birjand.ac.ir

کلیه راضیه سیروس‌سی / دکترای تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء
محمدحسن الهی‌زاده / دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند
دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۷ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳

چکیده

ظهور دین اسلام که نسخ ادیان و شرایع پیشین به‌شمار می‌آید، واکنش مسیحیان و یهودیان را برانگیخت. آنان اسلام را دینی رقیب می‌دانستند. به همین سبب، طرحی برای شبهه‌افکنی در آیات قرآن به راه انداختند که محور آن، ادعای تناقض در آیات قرآن بود. تغییر قبله از جمله موضوعاتی بود که توجه حداکثری مستشرقان را به خود جلب نمود. سؤال اصلی تحقیق این است که مستشرقان از تغییر قبله چه انگاره‌ای داشته‌اند؟ و چه پاسخی می‌توان به سخنانشان داد؟ نتایج نشان داد که برخی از نویسندگان تحت سیطره دیدگاه‌های استعماری، نسخ احکام را راهکاری برای پوشاندن برنامه نبوت پیامبر ﷺ می‌دانستند، اما نویسندگان آزاد تغییر قبله را همراهی یهودیان با پیامبر ﷺ عنوان می‌کردند. علاوه بر دلایلی همچون امتحان مسلمانان و واکنش به طعنه‌های یهود، نکته مهم رفتار خصومت‌آمیز و فریبکارانه یهود با مسلمانان است.

کلیدواژه‌ها: پیامبر ﷺ، قبله، تغییر قبله، نسخ در قرآن، مستشرقان.

از قرون وسطا تا به امروز، ترسیم چهرهٔ پیامبر ﷺ هدف مطالعاتی بسیاری از محققان غربی قرار گرفته است. این گونه مطالعات که از همان اوان ظهور اسلام، با نوعی تعصب مذهبی عجین شده بود، تا قرن‌ها در ذهنیت غربیان چهره‌ای دگرگونه و ساختگی از پیامبر ﷺ ایجاد نمود. در این بین، نسبت‌های ناروای فراوانی از سوی آنان به حضرت محمد ﷺ داد شده است که با شخصیت واقعی آن حضرت، فاصله زیادی دارد. گرچه غربیان، در خصوص وجهه‌های گوناگون شخصیت پیامبر ﷺ به بحث پرداخته‌اند، اما آنچه بیش از همه مطمح توجه قرار گرفته، ویژگی‌های آن حضرت در مقام رهبر دینی است.

پیامبران با هدف اصلاح جامعه مبعوث شده‌اند و اساساً با هرگونه شرک، خرافه و ظلم مبارزه می‌کنند. بدین‌روی، دارای صفات مشترکی همچون عصمت، انذار و تبشیر، کتاب و میزان، معجزه و تبیین وحی هستند؛ اما در نوشته‌های بیشتر نویسندگان غربی، حضرت محمد ﷺ، به‌عنوان پیامبر دروغین شناخته شده و صفاتی همچون تقلید از آموزه‌های دیگر انبیا و معجزه‌سازی به ایشان نسبت داده شده است. البته در دیدگاه‌های متعادل غربیان، آن حضرت اصلاح‌طلب و نابغه شناخته می‌شود. در همین زمینه، برخی از مستشرقان با تکیه بر آیات ناسخ و منسوخ در قرآن، مدعی شده‌اند که حضرت محمد ﷺ به تغییر دلخواهی قوانین می‌پرداخت.

به‌سبب اهمیت موضوع «نسخ» در مطالعات اسلامی، پژوهشگران در حوزه‌های اصول، تفسیر و کلام^۱ بدان پرداخته‌اند، اما پژوهش‌هایی نیز در پی پاسخ‌گویی به سخنان غربیان در موضوع «نسخ» برآمده‌اند. علی شریفی در کتاب *بررسی و نقد دیدگاه‌های مستشرقان درباره نسخ قرآن کریم*، با دیدگاهی تفسیری، ادعای تناقض آیات قرآن را رد کرده است.^۲ در مقاله دیگری با عنوان «رویکرد مستشرقان پیرامون نسخ در قرآن»، دیدگاه‌های مونت‌گمری وات، دبوید پاورز و ماکسیم رودنسون درباره نسخ بررسی شده است.^۳ همچنین در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دیدگاه‌های مستشرقان درباره نسخ آیات قرآن»،^۴ مهم‌ترین دیدگاه‌های غربیان در باب نسخ احکام در اسلام نقد و بررسی گردیده است. تمام این آثار با محوریت حکم کلی «نسخ» نوشته شده و کمتر به ماجرای تغییر قبله پرداخته شده است. البته تحقیقاتی نیز با هدف‌های پژوهشی همچون بررسی آیات مرتبط با تغییر قبله، و علل و چگونگی ماجرای تغییر قبله نگارش گردیده است.^۵ تقریباً هیچ‌یک از پژوهش‌های موردنظر، آراء مستشرقان را در باب تغییر قبله بررسی نکرده‌اند.

۱. رک: سیدابراهیم موسوی، «هیافتی فراموش‌شده از پدیده نسخ در کلام امامیه»: علی‌اصغر آخوندی، «نسخ از دیدگاه شیخ طوسی»: قاسم حائز، «بررسی آراء مفسران دربارهٔ آیه نسخ».

۲. رک: علی شریفی، بررسی و نقد دیدگاه‌های مستشرقان درباره نسخ قرآن کریم.

۳. رک: محمد امامی و مصطفی احمدی، «رویکرد مستشرقان پیرامون نسخ در قرآن».

۴. رک: حامد شاه‌بیگی و محمدعلی رضایی اصفهانی، «بررسی دیدگاه‌های مستشرقان درباره نسخ آیات قرآن».

۵. رک: مهری تخته‌داریان، علل تغییر قبله و پیامدهای آن؛ محمداسماعیل نوری زنجانی، «آیات مرتبط با رخدادها؛ تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه مبلغان»: نصرت نیل‌ساز و همکاران،

«بررسی ویژگی‌های اخلاقی یهود عصر پیامبر ﷺ و نقش آنان در شبههٔ تغییر قبله از منظر قرآن».

از آنجاکه همواره یکی از ارکان انگاره‌سازی نویسندگان متون بوده‌اند، آنان به‌مثابه نخبگان تأثیرگذار در جلوه‌های گوناگون حیات اجتماعی جامعه، می‌توانند به ذهنیت توده‌ها جهت دهند. از جمله مهم‌ترین متغیرهای مرتبط، وابستگی یا عدم وابستگی نویسنده به قدرت است. بالطبع، مستشرقی که به‌صورت آزاد و در جریان تحقیقات دانشگاهی خود به مطالعه اسلام پرداخته، نمی‌تواند همان انگاره‌ای را از پیامبر ﷺ داشته باشد که مستشرق وابسته به قدرت ارائه می‌دهد.

این فرض وجود دارد که هر اندیشه یا تفکری در بستر اندیشه‌های مسلط زمان رشد می‌یابد. یکی از عوامل مهمی که نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی اندیشه‌ها دارد «قدرت» است. قدرت با ابزارهای گوناگونی که در اختیار دارد، می‌تواند به ترویج اندیشه‌های خاصی در جامعه بپردازد. میشل فوکو که در باب رابطه دانش و قدرت، نظرات مهمی مطرح کرده، بر این باور است که دانش عمیقاً با روابط قدرت درآمیخته و همپای پیشرفت در اعمال قدرت پیش می‌رود. به‌عبارت دیگر، هر جا قدرت اعمال گردد، دانش نیز تولید می‌شود. درواقع از نظر فوکو، «قدرت» مفهوم ساده ابلاغی از بالا به پایین و دستوری نیست، بلکه در شبکه‌ای از روابط درهم‌پیچیده، ساری و جاری است. وی قدرت را تنها زمانی قابل تحمل می‌داند که بتواند با زدن نقابی بر چهره‌اش خود را پنهان کند و موفقیت آن بستگی به توانایی پنهان ساختن سازوکارهایش دارد.^۱

گرچه بنا بر نظر فوکو، هیچ اندیشه‌ای را نمی‌توان خالی از ظرف روابط قدرت مطالعه کرد، اما باید توجه داشت که قدرت بر همگان به‌صورت یکسان تأثیر نمی‌گذارد. به نسبتی که افراد بتوانند از مناسبات قدرت آگاهی پیدا کنند، آزادتر خواهند اندیشید. حال افرادی هستند که نه تحت سلطه قدرت، بلکه خود تولیدکننده و ترویج‌دهنده اندیشه‌های قدرت هستند. بالطبع، آزادی در بیان افکار و اندیشه‌های این‌گونه افراد راهی ندارد. نویسندگانی خود، مأمور دولت یا نهادهای مذهبی وابسته به آن بودند و به تولید اندیشه‌های خاصی در باب زندگانی پیامبر ﷺ پرداختند. در مقاله حاضر، پس از نوع‌شناسی انگاره مستشرقان از نسخ احکام دینی در خصوص ماجرای تغییر قبله، به نقد و بررسی آن پرداخته شده است. سپس به‌سبب تأثیر وابستگی‌های مذهبی و سیاسی بر نوع نگاه مستشرقان، نسبت‌سنجی آن با انگاره‌های ارائه‌شده، بررسی می‌گردد.

تعریف واژگان

الف. «انگاره»

«انگاره» در انگلیسی، معادل «image» به‌معنای «تصویر» است که در معنای گسترده، هر شکل، مانند نقشه، نمودار، نقاشی و اثری هنری را شامل می‌شود که ادراک بصری را به تصویر می‌کشد. در معنایی دیگر، به تصویری که در ذهن فرد وجود دارد اطلاق می‌شود. البته موضوع یک تصویر می‌تواند واقعی یا خیالی باشد. این کلمه در

فرهنگ آکسفورد به معنای تصویری از اشخاص یا اشیا در ذهن آمده است.^۱ واژه «انگاره» در فرهنگ فارسی معین، به معنای پندار، وهم، گمان و یا طرح و نقشی که کشیدن آن ناتمام مانده، آمده است.^۲ همچنین در لغتنامه دهخدا، معادل طرح، زمینه و نقشه توصیف شده است.^۳ حمید مولانا «انگاره» را مجموعه‌ای از ویژگی‌ها می‌داند که شخص در ذهن مجسم می‌کند.^۴ به عبارت دیگر، اصطلاح «انگاره» بر مجموعه‌ای از عقاید، نگرش‌ها و احساساتی دلالت می‌کند که شخص یا گروهی از افراد از امری بیرونی دارند.

در مقاله حاضر، مراد از «انگاره» تصویری است که از تغییر قبله در آثار مستشرقان بازتاب یافته است. علت انتخاب واژه مزبور آن است که دیدگاه بیشتر غربیان از دین اسلام، جهت‌گیرانه، غرض‌ورزانه و غیرواقعی است. «انگاره» - در واقع - بازتاب‌دهنده ذهنیت فردی است که سعی در معرفی خود و یا موضوعی دارد، درحالی‌که واژه «تصویر»، بازتاب ابعادی از هویت فردی است، همان‌گونه که هست.

ب. مستشرقان

«شرق‌شناسی»، معادل واژه انگلیسی «orientalism»، معرفتی عام و گسترده است که به مطالعه درباره احوال، تاریخ، تمدن، فرهنگ و سایر شئون حیات شرق می‌پردازد. ادوارد سعید هر که را درباره مشرق زمین تدریس و یا تحقیق کند و یا چیزی بنویسد - خواه اسلام‌شناس باشد، یا جامعه‌شناس یا زبان‌شناس یا مورخ، و کارش به جنبه‌های کلی و فراگیر مربوط باشد یا به جنبه‌های مشخص و محدود - شرق‌شناس می‌داند.^۵ از جمله حوزه‌های مطالعاتی اولیه شرق‌شناسی، «اسلام‌شناسی» است. توجه حداکثری به این حوزه پس از ظهور اسلام، اسعدی را واداشته است تا شرق‌شناسی را از منظر تکوین تاریخی، مؤخر بر توجه غرب به اسلام بداند.^۶ در این مقاله، منظور از «مستشرقان» گروهی از محققان غربی هستند که حوزه تحقیقاتی‌شان مطالعات اسلامی است.

نسخ حکم دینی از منظر مستشرقان

مسیحیان از همان روزهای آغازین ظهور اسلام، به معرفی چهره دگرگونه و منفی از پیامبر ﷺ پرداختند. آنان هویت دین اسلام به‌مثابه ناسخ ادیان گذشته را تهدیدی جدی برای منافع خود دیدند. به همین سبب، بدون در نظر داشتن معنای دقیق «نسخ» در اسلام، برداشت‌های مغرضانه و نادرستی از آن ارائه دادند. نکته مهم این بود که مستشرقان قرآن را نه وحی خداوندی، بلکه دست‌ساخته بشری می‌دانستند. آنان ادعای نبوت از سوی حضرت محمد ﷺ را ترفندی

1. A.S. Horn, Oxford dictionary, p. 774.

۲. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۳۸۸.

۳. علی‌اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۳، ص ۳۵۸۵.

۴. حمید مولانا، «رسانه‌ها و انگاره‌سازی»، ص ۱۰.

۵. ادوارد سعید، شرق‌شناسی، ص ۲۳.

۶. مرتضی اسعدی، مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی، ص ۲۵.

برای دستیابی به مقام حکومتی می‌دانستند و بر این باور پای می‌فشردند که پیامبر ﷺ هر زمان که منافش اقتضا می‌کرد احکام دین را تغییر می‌داد و در این خصوص، به آیاتی استناد می‌کنند که حکم قبلی در آن نسخ شده بود.

مستشرقان با توجه به آیه ۱۰۶ سوره «بقره» (هر نشانه‌ای را که از میان برداریم یا آن را به فراموشی بسپاریم، بهتر از آن یا مانند آن را می‌آوریم. آیا نمی‌دانی که خدا بر هر چیزی تواناست؟) بر این باور اصرار دارند که پیامبر ﷺ به واسطه این آیه، به تغییر دلبخواهی آموزه‌هایش می‌پرداخت، درحالی که آیه مزبور در پاسخ به تبلیغ سوء یهودیان در باب تغییر قبله نازل شده است. درواقع، خداوند با نزول این آیه، به این شبهه چنین پاسخ می‌دهد که ما هیچ حکمی را نسخ نمی‌کنیم، مگر آنکه بهتر از آن یا همانندش را جانشین آن می‌کنیم.^۱

آرتور جفری با اشاره به آیه مذکور، مدعی می‌شود که [حضرت] محمد ﷺ نسخ آموزه‌های قرآنی را مجاز اعلام کرد تا هر زمان مصلحت ایجاب کند، به تغییر اصول مذهبی بپردازد.^۲

دریکات، نویسنده انگلیسی، نیز بر این نکته اصرار می‌ورزد که [حضرت] محمد ﷺ هر چه را فراموش می‌نمود و یا مطابق خواسته‌اش نبود، لغو می‌کرد و آن را به قدرت خداوند ربط می‌داد.^۳

آندرائه هم [حضرت] محمد ﷺ را فریبکاری معرفی می‌کند که هر موقع منافش اقتضا می‌کرد آن را به وحی آسمانی ربط می‌داد و به یارانش می‌گفت که خداوند وحی قبلی خود را لغو و دستور جدیدی جایگزین کرد.^۴

بروکلمان پیامبر ﷺ را رهبر فریبنده و بی‌رحمی تصویر می‌کند که نیازی به فرمانبری از خداوند نداشت و می‌بایست خدا او را راضی کند. به همین سبب، به راحتی می‌توانست قوانین را تغییر دهد.^۵

نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره نسخ

درباره واژه «نسخ»، معانی متفاوتی وجود دارد. «نسخ» در لغت به معانی ازاله و برداشتن امری که قبلاً بدان عمل می‌شد،^۶ تبدیل نمودن چیزی به چیزی، به گونه‌ای که شیء دوم غیر از شیء اول باشد و انتقال از جایی به جای دیگر است.^۷ «نسخ» - در اصطلاح - با وجود اختلاف در تعابیر، تغییر حکم و جانشین ساختن حکمی به جای حکم قبلی است.^۸ البته «نسخ» به معنای ابطال حکم نیست، بلکه ناظر به پایان حکم است.^۹

۱. سیدمحمدحسین طباطبائی، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۶ ص ۳۲؛ فضل‌بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱ ص ۳۳۷.

2. Arthur Jeffery, Islam: Muhammad and His Religion, p. 66.

3. G. M Draycott, Mahomet Founder of Islam, p. 100.

4. Tor Andrae, Mohammed: The Man and His Faith, p. 91.

5. Brockelmann, History of the Islamic Peoples, p. 36.

۶. خلیل‌بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴ ص ۲۱۱.

۷. محمدبن مکرم ابن‌منظور، لسان‌العرب ج ۳ ص ۶۱.

۸. جلال‌الدین سیوطی، الاقان فی علوم القرآن، ج ۲ ص ۲۵؛ محمدعبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۲ ص ۱۱۰.

۹. حسین‌بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱ ص ۴۹۰؛ محمدبن مکرم ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۳ ص ۶۱.

با اندکی تأمل در سخنان مزبور، می‌توان به این نتیجه رسید که مستشرقان با تمسک به احکام ناسخ و منسوخ در قرآن، سعی می‌کنند تا نبوت حضرت محمد ﷺ را زیر سؤال ببرند. آنان بر این باور تأکید می‌ورزند که قرآن دست‌ساخته پیامبر ﷺ است و آن حضرت مطابق منافع سیاسی خود، به تغییر قوانین دست می‌زد. قابل ذکر است که نسخ احکام تنها در دین اسلام پذیرفته شده است.

یهودیان از منکران و مخالفان سرسخت نسخ در میان اهل کتاب هستند و غرض آنان از این سخن، اثبات استمرار شریعت حضرت موسی ﷺ است. از منظر یهود، اگر بر خدا نسخ حکم جایز باشد از دو حال خارج نیست: یا براساس حکمتی بوده که ظاهر شده و یا پیش از این، بر خداوند مخفی بوده است. در حالت دوم، حکم خداوند بدون حکمت بوده که هر دو فرض باطل است.^۱

در گام نخست برای پاسخ به ادله یهود، باید در نظر داشت که در مفهوم «نسخ» بین علمای یهود و مسلمان اختلاف معنایی وجود دارد. معنای «نسخ» در اسلام، به‌هیچ‌وجه، ظاهر شدن امر جدیدی بر خداوند نیست، بلکه نسخ به‌سبب حکمت و مصلحتی بوده که از آغاز برای خداوند متعال معلوم بوده، هرچند برای مردم ناشناخته بوده است؛ زیرا احکام تابع مصالح و مفاسدند و گاهی مصلحت یا مفسده امری همیشگی نیست، بلکه محدود به زمان خاصی است. بنابراین، با پایان یافتن مصلحت آن حکم، دستور جدید، جعل و صادر می‌شود.^۲ بنابراین، مراد از نسخ ادیان پیشین در اسلام، نه نسخ اصل ادیان یهودیت و مسیحیت و نه حکم به بطلان شرایع آنان است - زیرا شریعت هر دینی در عصر خود، حق و لازم‌الاجراست - بلکه مقصود اعلام سرآمدن و اتمام دوره حقانیت شرایع مزبور با ظهور پیامبر اسلام است؛^۳ زیرا قلمرو نسخ، تنها احکام فقهی و شریعت را دربر می‌گیرد که بعد دوم دین را تشکیل می‌دهد.

علاوه بر آن، با وجود اینکه پیروان تورات و انجیل نسخ در قوانین و احکام الهی را محال می‌دانند، اما نمونه‌های فراوانی از نسخ احکام در کتب آنها وجود دارد که اعتبار سخنانشان را زیر سؤال می‌برد؛ از آن جمله: سن ورود به خیمه اجتماع برای ورود به سپاه در قسمتی از تورات،^۴ ۳۰ سال^۵ و در جایی دیگر،^۶ ۲۵ سال ذکر شده است. همچنین با وجود جواز طلاق در تورات،^۷ این موضوع در انجیل تحریم شده است.^۸ نمونه‌های مشابه دیگری از نسخ احکام را نیز می‌توان با جست‌وجو در متن تورات و انجیل پیدا کرد.^۹ علاوه بر آن، عدم پذیرش انجیل به‌عنوان ناسخ تورات،

۱. محمد عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان، ص ۴۱۴؛ علی حسن عربی، فتح المنان فی نسخ القرآن، ص ۱۴۵.

۲. سیدمرتضی علم‌الهدی، الذریعة الی اصول الشریعه، ج ۱، ص ۴۲۶؛ محقق حلی، معارج الاصول، ص ۱۶۲.

۳. محمدحسن قدردان قراملکی، «اسلام و نسخ ادیان».

۴. ر.ک: سفر اعداد، ۲-۳.

۵. ر.ک: همان، ۲۳-۲۴.

۶. ر.ک: تورات، سفر نهم، باب ۲۴، بند ۱-۳.

۷. ر.ک: انجیل متی، باب ۵، بند ۱-۳.

۸. ر.ک: سفر اعداد، ۲۸، بند ۳-۷؛ کتاب حزقیال، باب ۴۶، بند ۱۳-۱۵؛ سفر اعداد، باب ۳۰، بند ۲؛ انجیل متی، باب ۵، بند ۳۲-۳۳.

ادعایی بی‌معناست؛ زیرا چنین سخنی به معنای مطابقت کامل انجیل با تورات بوده و در این صورت، علت عناد و انکار حضرت عیسی علیه السلام از طرف یهود و اصولاً نبوت حضرت عیسی علیه السلام زیر سؤال می‌رود.

نکته مهم این است که اعتقاد یهود به عدم نسخ احکام، منجر به پذیرش محدودیت قدرت خداوند می‌شود؛ زیرا علمای یهود بر این باورند که گرچه قدرت خداوند عمومیت دارد، اما تأثیر این قدرت، مربوط به زمانی است که چیزی موجود نشده؛ اما همین که فعلیت وجود پیدا کرد دیگر قابل تغییر نیست. بهترین پاسخ این گمانه‌زنی اشتباه در آیه ۱۰۷ سوره «بقره» قابل مشاهده شده است. طبق آیه مذکور، یهود با محدود دانستن قدرت خداوند در موجودات به قبل از فعلیت یافتن، مالکیت مطلق خداوند و تصرف آزاد بدون مانع را منکر شده، درحالی که مالک حقیقی آسمان و زمین خداوند است.^۱

در باب فلسفه نسخ، باید توجه داشت که قرآن به صورت تدریجی بر وفق مناسبات، حوادث و برای اصلاح جامعه عرب جاهلیت به تدریج و همراه با مراعات مصلحت بندگان، رهایی از عادات و تقلید ناپسند نازل شد؛ زیرا نزول دفعی قرآن برای ترک رفتارهای جاهلی سخت بود. برای نمونه، تحریم شرب خمر، به تدریج و طی مراحل انجام پذیرفت. علامه طباطبائی در کتاب *قرآن در اسلام* بیان می‌کند: «نظر به اینکه قرآن مجید در مدت ۲۳ تدریجاً نازل شده، اشمالش به چنین احکامی کاملاً قابل تصور است».^۲

از سوی دیگر، حکمت و لطف پروردگار به بندگان و علم او به اختلاف و دگرگونی حالتشان، علت مهم دیگری است که توجه متکلمان را به سوی خود جلب نموده است؛ زیرا عقل حکم می‌کند که احکام شرعی تنها به اقتضای مصالح بندگان تشریح شود و چون مصالح با تغییر زمان دگرگونی می‌پذیرد، وقوع نسخ نیز لازم خواهد بود.^۳ همچنین نسخ برخی از قوانین و اوامر قرآنی برای جامعه‌ای که مرحله انتقال از انحطاط به سوی کمال است، امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری است؛ زیرا تغییر شرایط و زمانه، تغییر حکم را می‌طلبد. بنابراین، قرآن نسخه الهی برای نجات جان فرد و جامعه است و تبدیل برخی از دستورات آن به نسخه کامل تر و متناسب با مصالح و ظرف زمان حکم، برای درمان بیماری‌های گوناگون جامعه ضروری است.^۴

اگر تسلسل ادیان آسمانی را بپذیریم و تطور شرایط را بر حسب مقتضیات زمان، مسلم بدانیم، نه تنها جواز عقلی و وقوع نسخ در قلمرو تشریح الهی محظوری ندارد، بلکه یک ضرورت و حتمیت عقلی و دینی نیز هست؛ زیرا مشروعیت و حجیت ادیان آسمانی - جز نخستین دین الهی - همگی به جواز عقلی و وقوع تاریخی نسخ در عرصه تشریح الهی است.^۵

۱. سیدمحمدحسین طباطبائی، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. سیدمحمدحسین طباطبائی، قرآن در اسلام، ص ۹.

۳. سیدمرتضی علم‌الهدی، الزیعة فی اصول الشریعة، ص ۴۲۵؛ سیدابوالقاسم خونی، بیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۷۹؛ حسن بن یوسف حلّی، مبادئ الاصول الی علم الاصول، ص ۱۷۶.

۴. عزت‌الله مولائی‌نیا، نسخ در قرآن، ص ۲۹۱.

۵. همان، ص ۳۷۴.

انگاره فریبکارانه از تغییر قبله

مسلمانان در دوره مکی و سال‌های نخست حضور پیامبر ﷺ در مدینه، به سمت بیت‌المقدس نماز می‌خواندند. در سال دوم هجرت پس از نزول آیهٔ ۱۱۴ «بقره»، قبله مسلمانان از بیت‌المقدس به خانه کعبه تغییر یافت.^۱ ماجرای تغییر قبله، واکنش‌های متفاوتی در برداشت، اما یهودیان مدینه که پیش از این، مسلمانان را به خاطر قبله مشترک با یهود سرزنش کردند، پس از ماجرای تغییر قبله موقعیت خود را در خطر دیدند و به مخالفت‌های خود ادامه دادند.

برداشت مغرضانه و نادرست از ماجرای تغییر قبله منحصر به یهودیان زمان پیامبر ﷺ نبوده، مستشرقان نیز که به مطالعهٔ زندگی پیامبر ﷺ و احکام قرآنی پرداخته‌اند، به مسئله تغییر قبله توجه ویژه‌ای داشته‌اند. مستشرقان ذیل بحث «نسخ احکام در اسلام» از آن بحث کرده‌اند، نکته مهمی که در بررسی آراء آنان باید در نظر گرفت، انگاره آنان از پیامبر ﷺ است؛ زیرا به‌طور مستقیم در نوع نگاهشان به ماجرای تغییر قبله مؤثر بوده است.

تعداد قابل توجهی از مستشرقان در طحاره خود از پیامبر ﷺ، کوشیده‌اند تا آن حضرت را فریبکار معرفی نمایند. آنان اظهار می‌دارند که پیامبر ﷺ در ابتدای حضورش در مدینه با پذیرش احکام دین یهود، سعی در همراهی آنان با خود داشت؛ اما وقتی در طرحش با شکست مواجه شد، نقشه‌اش را تغییر داد.

آدریانوس ریلاند، با تأکید بر انگاره «فریب‌کاری» می‌گوید: پیامبر ﷺ برای همراهی یهود با خود، به پیروانش دستور داد تا به‌سوی اورشلیم نماز بخوانند، ولی زمانی که از اختلافات یهود با خود آگاه شد، به پیروانش دستور داد تا به سمت کعبه نماز بخوانند. از آن زمان بود که شروع به سرودن ستایش‌های خرافه‌آمیزی درباره کعبه کرد.^۲

ویلیام مویر، که در ترسیم چهره پیامبر ﷺ، بر انگاره «فریبکارانه» تأکید داشت، بر این باور بود که حضرت محمد ﷺ در ابتدای ورود به مدینه سعی کرد تا به یهودیان مدینه که جمعیت کثیری را تشکیل می‌دادند، نزدیک شود. به همین سبب، به آموزه‌های کتاب مقدس پایبند بود و حتی خود را مسیح یهودیان اعلام نکرد، بلکه پیامبر بزرگتری دانست که ظهورش در کتب پیشینیان پیش‌بینی شده بود؛ اما وقتی یهودیان بدان دلیل که در کتاب‌هایشان هیچ اشاره‌ای به ظهور فردی از فرزندان اسماعیل نشده بود، از او طرفداری نکردند و او سیاست خصمانه‌ای نسبت به یهود در پیش گرفت.^۳ مویر در تکمیل مدعای خود، می‌افزاید: اورشلیم نخستین قبله «محموتیان»^۴ بود، اما [حضرت] محمد ﷺ وقتی هیچ امیدی برای پیوستن یهودیان نداشت، قبله را از اورشلیم به کعبه تغییر داد.^۵

زیگموند کوئل از دیگر مستشرقانی است که در مقام مبلغ مسیحی، می‌گوید: حضرت محمد ﷺ با درک عمیق عملی و فریبکارانه، کعبه را مرکز اسلام معرفی کرد و آن را به‌مثابه جایگاه زیارت مذهبی به همه پیروانش تحمیل کرد؛ اما پس از مهاجرت خود به مدینه، برای مدت کوتاهی اورشلیم را به‌عنوان قبله خود معرفی کرد، به این امید که

۱. عبدالملکین ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج ۲، ص ۶۰۶

2. Adrianus Reeland, four Treatises Concerning the Doctrine, Discipline and Worship of the Mahometanism, p. 62.

3. Ibid, p.195.

۴. عنوانی است که در غرب برای مسلمانان به کار برده می‌شود؛ زیرا آنان منشأ آسمانی دین اسلام را نپذیرفته، آن را ساخته و پرداخته پیامبر ﷺ می‌دانستند.

5. Ibid, p. 199.

یهودیان را جذب نماید، پس از مدتی که متوجه شد یهودیان به دعوتش توجهی نمی‌کنند، از آنان انتقام گرفت و اولین قربانیان این انتقام، عصماء و ابوعفک یهودی بودند؛ زیرا این افراد در اشعاری آیاتش را به تمسخر گرفتند و درحالی که خواب بودند، به دستور [حضرت] محمد ﷺ ترور شدند.^۲

در توضیح رفتار پیامبر ﷺ باید توجه داشت که رفتار مخالفت‌آمیز یهودیان در قالب تأیید و پشتیبانی از قریش، ایجاد تفرقه میان مسلمانان و تحریف حقایق بروز می‌یافت و این کار برای دولت نوپای اسلامی در مدینه بسیار خطرناک بود. بررسی منابع نشان می‌دهد که ابوعفک و عصماء هجویتی علیه پیامبر ﷺ سرودند و درصدد بودند تا اعتماد مسلمانان را از آن حضرت سلب نمایند.^۳ بنابراین، گرچه اساس رفتار پیامبر ﷺ با مخالفان مدارا بود، اما چون مخالفان اساس دعوت را هدف قرار می‌دادند و به اقدامات عملی در این راه دست می‌زدند، آن حضرت، چاره‌ای جز برخورد همراه با خشونت نداشت.

واشنگتن/ایروینگ نیز با تأثیرپذیری از آراء گیبون، ماجرای تغییر قبله را تغییر بدون قاعده احکام دینی دانست.^۴ وی نخستین شواهد از تغییر رفتار پیامبر ﷺ نسبت به یهود را کشتار یهودیانی می‌داند که به مخالفت صریح با عقایدش پرداختند و از آن جمله، بر دستور کشتن عصماء، دختر مروان، تأکید می‌کند.^۵

جمع گسترده‌تری از مستشرقان قرن بیستم بر تغییر احکام قرآنی به‌مثابه راهبرد سیاسی در تقابل با یهودیان اصرار دارند. دریکات ادعا می‌کند که [حضرت] محمد ﷺ در ابتدا به همراهی یهود نیاز داشت و بسیاری از قوانین آنها را پذیرفت، اما پس از مدتی متوجه شد که امکان هماهنگی نظام فکری یهود با نظام جدید وجود ندارد. به همین سبب، بر آن شد تا معاهده‌ای را که در روزهای ناامنی با آنان بسته بود، زیرپا بگذارد و پس از ورود به مدینه و استقرار فرماندهی‌اش، مکه را قبله مسلمانان قرار داد.^۶

ادوارد گیبون که دیدگاه آگاهانه‌تر و مسالمت‌جویانه‌تری نسبت به پیامبر ﷺ ارائه داده، همچنان بر انگاره «فریبکاری» پافشاری می‌کند. وی بر این باور است که [حضرت] محمد ﷺ در طرحی فریبکارانه، برای جذب یهودیان، به سوی اورشلیم نماز خواند؛ اما پس از شکست برنامه‌هایش، قبله را تغییر داد و به سوی کعبه نماز خواند.^۷ شاید چنین دیدگاهی به سبب الگوی ازپیش تعیین شده گیبون در تفکیک شخصیتی پیامبر ﷺ باشد؛ زیرا بر این عقیده بود که روحیه پیامبر ﷺ پس از ورود به مدینه تغییر یافت و به همین علت بود که در دوره مدنی، دین اسلام از دینی آرام و فیلسوفانه، به آیین شمشیر و خشونت تبدیل شد.^۸

1. Wilhelm Koelle, Mohammed and Mohammedanism, p. 20.

2. Ibid, p. 129.

۳. عبدالملکین ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۲، ص ۶۳۶؛ محمدبن عمر واقفی، المغازی، ج ۱، ص ۱۷۴.

4. Washington Irving, Life of Mohammed, p. 110.

5. Ibid, p. 108.

6. G. M. Draycott, Mahomet founder of Islam, p. 150.

7. Edward Gibbon, Life of Mahomet, p. 96.

8. Washington Irving, Life of Mohammed, p. 95.

انگاره مصلحت‌اندیشانه از تغییر قبله

مستشرقان در چنین تصویری، بر این باور بودند که گذشتگان آنها نتوانستند تصویری واقعی از حضرت محمد ﷺ ارائه دهند. این گروه پیامبر ﷺ را مصلحی ترسیم می‌کنند که مشکلات جامعه خود را دریافت و کوشید تا در مقابل رسم‌های ناپسند و مذمومی که گریبانگیر مردم زمانش شده بود، بایستد. آنان انتخاب اولیه بیت‌المقدس به‌عنوان قبله را راهکاری اصلاحی برای سازش با یهودیان مدینه می‌دانند که از آن طریق، پیامبر ﷺ سعی داشت تا یهودیان را با خود همراه کند؛ اما پس از آنکه نتوانست موافقتی از سوی یهود به دست آورد، قبله را تغییر داد.

وات، از جناح میانه‌روتر نویسندگان، بر این نکته تأکید می‌ورزد که [حضرت] محمد ﷺ وقتی در مکه بود، برای متقاعد ساختن یهودیان، طبق اعتقادات آنان رفتار می‌کرد و جهت قبله را بیت‌المقدس تعیین کرد. وی بر این عقیده بود که یهودیان می‌توانستند با اعتراف به شباهت‌ها، [حضرت] محمد ﷺ را یاری کنند و یا با تأکید بر اختلافات، اهداف او را به تأخیر بیندازند؛ اما چون یهودیان حالت دوم را برگزیدند، [حضرت] محمد ﷺ تصمیم به مقابله با آنان گرفت.^۱

وی، همچنین می‌افزاید: طبق تفکرات مسلمانان، اگر یهودیان روزه می‌گرفتند، مسلمانان هم باید روزه بگیرند؛ اما اندکی بعد چنین اندیشیدند که اگر یهود به شیوه خاصی روزه می‌گرفتند، مسلمانان باید به روش دیگری روزه بگیرند. وات بر این باور اصرار داشت که [حضرت] محمد ﷺ تغییرات را اصلاحاتی از طرف خداوند معرفی کرد تا برای تطبیق با محیط جدید آماده شود.^۲

ماکسیم رودنسون در مقابله با انگاره «فریبکاری» بیان می‌دارد که توصیف [حضرت] محمد ﷺ صادق و راستگو بسیار ساده‌تر از محمد ﷺ فریبکار و به حقیقت نزدیکتر است.^۳ وی بر نبوغ پیامبر ﷺ تأکید داشت و بر آن بود که آن حضرت به‌سبب برخورداری از استعدادهای استثنایی، چیزهایی را می‌دید و می‌شنید که دیگران قائل به درک آن نبودند.^۴ به‌سبب همین برخورداری از نبوغ و خیرخواهی بود که در راه اصلاح جامعه خود کوشید. او برای اتحاد اهالی مدینه، ابتدا کوشید تا با وضع قوانینی همچون تعیین اورشلیم به‌عنوان قبله و حرمت گوشت خوک و خون، یهودیان را به‌سوی خود جذب نماید و حتی مسلمانان را تشویق به برقراری پیوند ازدواج با آنها نمود؛ اما پس از مدتی که از همراهی یهود ناامید شد، به فسخ قوانینی پرداخت که نزدیکی و همراهی با یهود را نشان می‌داد.^۵

1. William Montgomery Watt, Muhammad At Medina, p. 198.

2. Ibid, p.199.

3. Maxime Rodinson, Muhammad, p. 78.

4. Ibid, p. 50.

5. Ibid, p. 159.

توماس واکر آرنولد با تأکید بر شهرت پیامبر ﷺ به صداقت و درستکاری،^۱ پیامبر ﷺ را مصلحی معرفی کرده است که در ابتدا سعی داشت تا با دادن آزادی کامل در عبادت و برابری سیاسی به یهود، آنان را با خود همراه سازد؛ اما پس از آنکه تلاش خود را بی‌ثمر دید، به پیروانش دستور داد تا به جای اورشلیم، به سوی کعبه نماز بخوانند.^۲ گیب در انتقاد از انگاره «فریکارانه» پیامبر ﷺ را نابغه و مصلحی می‌داند که توانست بسیاری از ایده‌های زمان خود را در هم بشکند.^۳ وی بر این باور بود که [حضرت] محمد ﷺ در سال‌های نخست حضور در مدینه، چندین رسم یهودی، مانند نماز ظهر و انتخاب اورشلیم به‌عنوان قبله را پذیرفت؛ اما بعدها به‌سبب درگیری و بحث تلخ یهودیان، قبله را تغییر داد.^۴

نقد و ارزیابی دیدگاه مستشرقان در باب قبله

در خصوص زمان دقیق تغییر قبله، اتفاق نظری بین مورخان وجود ندارد. برخی آن را در ماه شعبان^۵ و عده‌ای ماه رجب^۶ دانسته‌اند. همچنین بیشتر مورخان محل تعیین قبله را مسجد «بنی‌سلمه» دانسته‌اند،^۷ اما درباره اصل واقعه تردیدی وجود ندارد و پس از نزول آیه ۱۴۴ سوره «بقره»، قبله تغییر جهت یافت و مسلمانان رو به سوی کعبه نماز خواندند. همین مسئله مستمسکی به دست برخی از مستشرقان داد تا پیامبر ﷺ را فردی معرفی کنند که بنا به مصالح سیاسی، به تغییر قوانین می‌پرداخت.

براساس سخنان مزبور، غریبان بر این باورند که هدف پیامبر ﷺ از انتخاب بیت‌المقدس، همراهی یهود بود. تمام فرض مستشرقان در انتخاب اولیه بیت‌المقدس به‌عنوان قبله، بر این امر استوار بود که مسلمانان پیش از هجرت به مدینه، به سمت کعبه نماز می‌خواندند. این در حالی است که روایات تاریخی خلاف این امر را گواهی می‌دهد. براساس گزارش ابن‌اسحاق، پیامبر ﷺ در دوره مکی، طوری به طرف قبله می‌ایستاد که بین رکن یمانی و حجرالاسود قرار بگیرد؛ زیرا به این ترتیب، در جهت خانه کعبه و بیت‌المقدس بود.^۸ این روایت که در منابع بعدی نیز مکرر آمده،^۹ نشان‌دهنده توجه حضرت محمد ﷺ به بیت‌المقدس، قبل از هجرت به مدینه بوده است. در این مدت،

1. Thomas Walker Arnold, The Preaching of Islam, p. 9.

2. Ibid, p. 22.

3. Alexander Rosskeen Hamilton Gibb, Mohammedanism: a Historical survey, p. 23.

4. Ibid, p. 44.

۵. عبدالملکین ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۶۰۶؛ محمدین جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۴۱۶.

۶. ابوبکر بیهقی، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، ج ۲، ص ۵۷۴؛ شمس‌الدین محمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۲، ص ۵۰.

۷. محمدین ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۸۶؛ احمدین ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۲.

۸. عبدالملکین ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۳۴۷.

۹. اسماعیلین عمر ابن‌کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ج ۱، ص ۳۰۸؛ علی‌بن محمد ابن‌اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۱۲۹.

یهودیان به تحقیر و استهزای مسلمانان می‌پرداختند. در واقع، جامعه یهود مدینه با رشد سریع اسلام، در رسیدن به اهداف و مقاصد خود ناکام ماند و به سبب بغض و کینه‌ای که از اسلام داشت، از هر اقدامی برای تضعیف پیامبر ﷺ فروگذار نکرد. قبل از ماجرای تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه، یهودیان به مسلمانان فخر می‌فروختند که شما قبله مستقلی ندارید و این کار، تا آنجا پیش رفت که آرامش روحی و اعتماد به نفس مسلمانان را بر هم زد. پیامبر ﷺ منتظر فرمان الهی درباره وضعیت قبله و پاسخ به طعنه‌های یهودیان بود که جبرئیل به هنگام نماز ظهر در مسجد «بنی‌سالم» بر پیامبر ﷺ نازل شد و پس از آنکه ایشان دو رکعت از نماز ظهر را خوانده بود، بازویش را گرفت و به سمت کعبه تغییر جهت داد.

البته نکته مغفول این است که یهودیان پس از تغییر جهت قبله نزد پیامبر ﷺ آمدند و خواهان برگرداندن قبله به سمت بیت‌المقدس شدند. گروهی از یهودیان به همراه رفاعه بن قیس و کمبن اشرف و نافع بن ابی‌نافع به حضور پیامبر ﷺ آمدند و گفتند: ای محمد، چه چیز تو را از قبله اول منصرف ساخت، و حال آنکه مدعی هستی بر آیین ابراهیمی هستی؟ اکنون هم به همان قبله برگرد تا از تو پیروی کنیم و تو را تصدیق نماییم.^۱

بنابراین، فرضیه همراه کردن یهودیان با پیامبر ﷺ در آغازین سال‌های ورود به مدینه، غلط و جهت‌گیرانه است؛ زیرا اگر حضرت محمد ﷺ چنین قصدی داشت، می‌بایست پیشنهاد سازشی یهودیان را می‌پذیرفت.

مفسران علل متعددی برای تغییر جهت قبله مطرح کرده‌اند. برخی تغییر قبله مسلمانان را نوعی واکنش در مقابل طعنه‌های یهود دانسته‌اند. براساس شواهد تاریخی، پس از مهاجرت پیامبر ﷺ به مدینه، یهود به پیامبر ﷺ طعن می‌زدند که چرا مسلمانان با وجود اختلافاتی که با ما دارند، به سوی قبله ما نماز می‌خوانند؟^۲ رسول خدا ﷺ از این سخنان ناراحت می‌شدند و منتظر بودند تا خداوند اندوه ایشان را زایل سازد. آیه ۱۴۴ سوره «بقره» نازل شد. البته باید توجه داشت که پیامبر ﷺ و مسلمانان اعتراضی نداشتند که رو به قبله یهودیان نماز بخوانند؛ زیرا بنده به غیر از اطاعت و قبول، شأنی ندارد. لیکن، آیه شریفه قبله‌ای جدید برای مسلمانان معین کرد و به سرزنش یهود و تفاخر آنها خاتمه داد. بدین‌روی تکریم پیامبر ﷺ از جمله دیگر حکمت‌های تغییر قبله بود.^۳

در تحلیلی دیگر، تحویل قبله را امتحانی برای یهودیان و هم‌پیمانانشان ذکر کرده‌اند. وقتی حضرت محمد ﷺ وحی را به آنها ابلاغ کرد، اطاعت از این دستور برایشان سخت و سنگین بود، مگر بر کسانی که خداوند هدایتشان کرده بود.^۴

۱. عبدالملک بن ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۰۷؛ لوبکر بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۳، ص ۱۷۳؛ محمود بن عمر زمشخری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۸؛ محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۹۴، ص ۹۴.

۳. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴.

۴. محمود بن عمر زمشخری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۳.

در روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: مردم مکه هوای قبله شدن کعبه را داشتند؛ خدای تعالی با قبله قرار دادن بیت المقدس امتحانشان کرد تا معلوم شود چه کسی برخلاف هوای نفسش رسول خدا صلی الله علیه و آله را پیروی می کند و چه کسی مخالفت می نماید.^۱ طبق این روایت، فلسفه تغییر قبله آزمون یاران راستین پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

علامه عسکری با استناد به آیه ۱۳ سورة «شوری»، سابقه قبله بودن کعبه را مربوط به دوران حضرت آدم علیه السلام دانسته، می افزاید: پیامبران پس از آن حضرت تا دوره حضرت ابراهیم علیه السلام، همگی مناسک حج را بجای می آوردند و مکان بیت را هفت بار طواف می کردند. دلیل دیگر آیه ۸۳ سورة «صافات» است که انبیای پیشین را از پیروان حضرت ابراهیم علیه السلام می شمارد. پس از بنای خانه خدای پیروان حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت اسماعیل علیه السلام به سمت کعبه نماز می خواندند، تا اینکه در دوره حضرت موسی بن عمران علیه السلام، قبله بنی اسرائیل بیت المقدس شد و این حکم نسخ نشد تا حضرت رسول صلی الله علیه و آله به مدینه مهاجرت کردند. بنابراین، شرایع رسولان، از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت محمد صلی الله علیه و آله، همه یکی بود، مگر آنچه در شریعت ارسالی به انبیای بنی اسرائیل، موسی بن عمران تا عیسی بن مریم علیه السلام پدید آمد و مصلحت ویژه این قوم در آن لحاظ شده بود.^۲

علاوه بر آن، آیت الله معرفت با توجه به سیاق آیه ۱۱۵ سورة «بقره»، توضیح می دهد که اساساً تعیین قبله در نماز، برای ایجاد وحدت و یکدستی در همسویی صفوف نمازگزاران است تا همه در صفهای بهم پیوسته، به یک سو توجه داشته باشند. از این رو، لازم بود برای همسویی نمازگزاران، نقطه ای بر سطح زمین مشخص شود تا همگی به سوی آن نقطه روی آورند. اما مکان آن نقطه خصوصیت ذاتی ندارد؛ هر جا باشد مصلحت یادشده تحقق می پذیرد.^۳

افزایش بصیرت دینی مسلمانان حکمت دیگری بود که کعبه به عنوان قبله تعیین شد. مسلمانان تا قبل از تحویل قبله فکر می کردند که همه احکام الهی ثابت است و در حوادث گوناگون دچار تغییر نمی شود. از این رو، ماجرای تغییر قبله درس جدیدی از معارف دینی به آنان آموخت تا بصیرت بیشتری به دست آورند، و در این حادثه آموختند تا برخی احکام با تغییر موضوع، تغییر می کنند.^۴

در این زمینه حدیث مهمی از پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ یهود که در تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به کعبه اشکال کرده بودند، فرمودند: نماز به سوی بیت المقدس و کعبه، حق و از جانب خداوند بود؛ زیرا آنگاه مصلحت بندگان در این بود که به سوی بیت المقدس نماز بخوانند و امروز نیز مصلحت این است که کعبه قبله مسلمانان شود.^۵

۱. سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۴۹۹.

۲. سید مرتضی عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، ص ۳۱۵.

۳. محمد عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان، ص ۴۶۹.

۴. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۵.

۵. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۰۶.

از سوی دیگر، یهودیان مدینه فعالیت‌های گوناگونی در عرصه فرهنگ انجام دادند تا به ایجاد شبهات فکری و عقیدتی در مسلمانان بپردازند. از جمله مهم‌ترین اقدامات یهود، نسبت دادن فقر به خداوند،^۱ ترجیح بت‌پرستی بر خداپرستی،^۲ کنمان حقایق،^۳ تحریف حقایق دین^۴ و سرزنش مسلمانان^۵ بود. در ادامه همین مجادلات کلامی بود که یهودیان توجه مسلمانان در نماز به سمت بیت‌المقدس را دلیلی بر درستی مذهب خود می‌دانستند و زبان اعتراض بر مسلمانان می‌گشودند که چرا از خود استقلالی ندارند و به‌سوی قبله آنان نماز می‌خوانند؟^۶

پیامبر اکرم ﷺ در مقابل تمام مجادلات یهودیان، زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز را با یهودیان ایجاد کردند که منجر به بستن پیمان‌نامه عمومی شد. پیمان‌نامه مدینه بهترین سندی است که رویه تساهل و مدارای پیامبر ﷺ را نسبت به یهود نشان می‌دهد. به واسطه پیمان‌نامه مذکور، مسلمانان یهودیان مدینه را هم‌پیمان و جزئی از ملت خود می‌دانستند و رفتارشان بر پایه همین اصل محکم استوار بود؛ به‌ویژه آنکه در برابر اعطای امتیازات بسیار به یهودیان، از آنان خواسته شد تا پیمان عدم تعرض و دفاع از شهر مدینه را رعایت کنند.^۷

پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر معاهده عمومی، پیمان‌نامه‌ای خصوصی نیز با سه قبیله بنی‌نضیر، بنی‌قریظه و بنی‌قینقاع منعقد ساختند که در آن عدم تعرض از سوی یهود و پیامبر ﷺ تضمین شده بود. طبق این معاهده، یهودیان متعهد شده بودند تا علیه پیامبر ﷺ و یارانشان اقدامی انجام ندهند و کسی را نیز علیه ایشان یاری نکنند.^۸ گرچه پیمان‌نامه مذکور تنها در نقل از طبرسی آمده، اما گزارش‌ها و شواهد فراوانی در منابع دست اول بر تأیید مواد این پیمان وجود دارد؛ به‌ویژه آنکه در منابع، مکرر از تعهد یهودیان بر عدم تعرض نسبت به پیامبر ﷺ یاد شده است.^۹

این موضوع، نشان می‌دهد که مبنای رفتاری پیامبر ﷺ جلب قلوب یهودیان به اسلام بود. آن حضرت ابتدا یهود را به توافق در اصول مشترک دعوت کردند و با دلیل و برهان، به‌سوی وعده‌های الهی فراخواندند. لیکن دعوت پیامبر ﷺ چندان فایده‌ای نبخشید و آنان به‌سبب عناد و لجاحت به مخالفت با اسلام پرداختند.

۱. آل‌عمران: ۱۸۱.

۲. نساء: ۵۱.

۳. بقره: ۱۵۹.

۴. بقره: ۷۸.

۵. آل‌عمران: ۱۱۳.

۶. محمدبن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۱، ص ۱۷۳.

۷. رک: عبدالملک‌بن ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۰۱.

۸. رک: فضل‌بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۵۷.

۹. محمدبن عمر واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۴۵۴؛ محمدبن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۲۷۲؛ احمدبن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۰.

باید توجه داشت که پیامبر ﷺ تنها زمانی به مقابله مستقیم با یهود برخاستند که دیگر برهان و استدلال در آنان تأثیری نداشت و امنیت جامعه مدینه را به چالش کشیدند. در اقدامی نهایی، پیامبر ﷺ تلاش کردند تا با تحدی طلبی^۱ و اتمام حجت^۲، توطئه های یهود را پاسخ دهند؛ اما یهودیان نه تنها دست از تبانی و دسیسه علیه مسلمانان برنداشتند، بلکه جوانی یهودی از طایفه بنی قینقاع به هتک حرمت زنی مسلمان پرداخت.^۳ قبایل دیگر یهودی نیز پیمان خود با پیامبر ﷺ را شکستند و با طراحی قتل آن حضرت، تمام راه های مسالمت آمیز را بستند.^۴

تحلیل داده ها

جدول ۱: نسبت سنجی متغیر وابستگی نویسنده و انگاره سازی از پیامبر ﷺ

نویسنده	وابستگی یا عدم وابستگی به قدرت		نوع شناسی انگاره	
	آزاد	وابسته	فریبکاری	مصلحت اندیشی
آدریانوس ریلاند		✓	✓	
ویلیام مویر		✓	✓	
زیگموند کوئل		✓	✓	
واشینگتن ایروینگ	✓		✓	
دریکات		✓	✓	
مونت گمری وات	✓			✓
ماکسیم رودنسون	✓			✓
توماس آرنولد	✓			✓
همپلتون گیب	✓			✓

چنانچه در جدول فوق مشاهده می شود، متغیر «وابستگی به قدرت» هماهنگی بسیاری با انگاره «فریبکاری» پیامبر ﷺ دارد. /دوارد گیبون تنها نویسنده آزاد است که تغییر قبله را طرحی فریبکارانه از سوی پیامبر ﷺ می داند. علت ارائه چنین انگاره ای معرفی پیامبر ﷺ به مثابه شخصیتی وارسته و اخلاق مدار است که پس از ورود به مدینه، تغییر موضع داد و برنامه فریب آمیزی برای جلب پیروان پی ریزی نمود.

از سوی دیگر، مستشرقانی که پیامبر ﷺ را فردی مصلحت اندیش معرفی می کنند، محققان آزاد هستند. این امر نشان می دهد که مستشرقان وابسته معمولاً با هدف تبلیغ دینی یا استعماری، به تألیف متونی درباره پیامبر ﷺ پرداخته اند و انگاره سازی آنان با تعصب و جانبداری همراه بوده است. در خصوص دریکات، اطلاعاتی به دست نیامد؛ اما غرض ورزی اش در انگاره سازی، در اثرش کاملاً آشکار است.

۱. بقره: ۲۳.

۲. عبدالملک بن ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۳، ص ۸۱ محمد بن عمر واقفی، المغازی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳. همان.

۴. محمد بن عمر واقفی، المغازی، ج ۱، ص ۲۶۴.

نتیجه گیری

از جمله موضوعاتی که توجه حداکثری مستشرقان را به خود معطوف ساخته، نسخ احکام دینی در اسلام و به ویژه ماجرای تغییر قبله است؛ زیرا «نسخ» بدین معناست که ادیان پیشین منسوخ شده و احکام فقهی آنها دیگر کارایی ندارند. به همین سبب، مستشرقان به هر طریقی کوشیده‌اند تا ماهیت نسخ را زیر سؤال ببرند. مستشرقان وابسته به قدرت و افرادی که تحت تأثیر سخنان این گروه از نویسندگان قرار گرفته‌اند، مدعی‌اند که حضرت محمد ﷺ در طرح ریزی برنامه فریبکارانه خود، ابتدا برای همراهی با یهود، بیت المقدس را قبله قرار داد، اما پس از مدتی متوجه شد که امکان جذب یهودیان به اسلام وجود ندارد. بنابراین، کعبه را به عنوان قبله تعیین کرد تا بدین طریق، مخالفت خود را با یهود نشان دهد.

گروه دیگری از مستشرقان که در محیط دانشگاهی و به دور از وابستگی‌های سیاسی و مذهبی، به مطالعه زندگی پیامبر ﷺ پرداخته‌اند، حضرت محمد ﷺ را رهبر مصلحی تصویر کرده‌اند که برای مقابله با سنت‌های غلط جامعه خود ایستاد. آنان بر این باور اصرار دارند که انتخاب بیت المقدس راهکاری اصلاحی بود که پیامبر ﷺ می‌خواست از آن طریق، یهود را با خود همراه سازد. اما چون نتوانست موفقیتی به دست بیاورد، قبله مسلمانان را به سمت کعبه تغییر داد. بدین روی، گرچه مستشرقان درباره انگیزه پیامبر ﷺ از تغییر قبله متفق القول نیستند، اما هر دو گروه نسخ احکام دینی در اسلام و به ویژه تغییر قبله را اقدامی از سوی پیامبر ﷺ می‌دانستند؛ اقدامی که به انگیزه فریب یا اصلاح بعد از مخالفت یهود اتخاذ شده بود.

مستشرقان با سوءبرداشت از مفهوم «نسخ» و تغییر قبله، آن را در جهت اهداف تحقیقاتی خود تفسیر کرده‌اند. کارشکنی‌های یهود در تحریف دین اسلام و کتمان حقایق - که خطر جدی برای نهال نوپای جامعه مدینه به شمار می‌رفت - به طور کلی از دید نویسندگان غربی خارج بوده است؛ اقداماتی که تا طرح ریختن خون رسول خدا ﷺ نیز پیش رفت و راهی جز مقابله فیزیکی با یهود برای پیامبر ﷺ باقی نگذاشت.

درواقع، ماجرای تغییر قبله که بر اساس حکمت‌های خداوندی انجام پذیرفته، بهانه‌ای به دست مستشرقان داده تا با قرار دادن پیامبر ﷺ در محور حوادث و بدون در نظر گرفتن اقدامات خرابکارانه یهود، تفسیر دلخواهی خود را از این ماجرا به دست دهند؛ تفسیری که گرچه به ظاهر در آراء برخی از نویسندگان غربی در شکل راهکار اصلاح طلبانه خود را نشان داده، اما عدم حقانیت تغییر قبله و به تبع آن، پدیده «نسخ» را نشان می‌دهد.

مفسران دلایل متعددی همچون طعنه‌های یهودیان و امتحان مسلمانان را دلیل تغییر قبله دانسته‌اند. به ویژه تحقیقات نشان می‌دهد که سابقه قبله بودن کعبه به زمان حضرت آدم ﷺ می‌رسد و بیت المقدس تنها برای مدتی بعد از دوران حضرت موسی ﷺ قبله بوده است. از سوی دیگر، فعالیت‌های فرهنگی و نظامی یهود علیه مسلمانان از مسلمات تاریخی است. این در حالی است که پیامبر ﷺ از هیچ تلاشی برای رفتار مسالمت‌آمیز با یهود فروگذار نکردند. نکته مغفول دیگر این است که یهودیان پس از تغییر قبله به سمت کعبه، نزد پیامبر ﷺ آمدند و اصرار کردند که قبله را به سمت بیت المقدس برگردانند. اگر فرضیه همراهی با یهود درست بود، پیامبر ﷺ می‌بایست از این پیشنهاد استقبال می‌کردند.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۵م.
- ابن سعد، محمد بن، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- ابن هشام، عبدالملک بن، *السیرة النبویه*، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- اسعدی، مرتضی، *مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان از آغاز تا شورای دوم واتیکان (۱۹۶۵)*، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
- امامی، محمد و مصطفی احمدی، «رویکرد مستشرقان پیرامون نسخ در قرآن»، ۱۳۹۳، *قرآن پژوهی خاورشناسان*، ش ۱۶، ص ۳۷-۵۲.
- آخوندی، علی اصغر، «نسخ از دیدگاه شیخ طوسی»، ۱۳۸۶، *پژوهش های قرآنی*، ش ۴۹، ص ۲۹۸-۳۳۳.
- الوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- بخشایش اردستانی، احمد، «فوکو و نظریه دانش، قدرت و رژیم حقیقت»، ۱۳۸۸، *دانشنامه واحد علوم و تحقیقات*، ش ۷۳، ص ۴۳-۵۲.
- بیهقی، ابوبکر، *دلایل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة*، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
- تخته داریان، مهری، *علل تغییر قبله و پیامدهای آن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۱.
- حائز، قاسم، «بررسی آرای مفسران درباره آیه نسخ»، ۱۳۸۱، *مقالات و بررسی ها*، ش ۷۲، ص ۸۸۱.
- حلی، حسن بن یوسف، *مبایء الوصول الی علم الاصول*، تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم، *البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالزهراء، ۱۳۹۵ق.
- دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ذهبی، شمس الدین محمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بی جا، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- سبحانی، جعفر، *فروع ابدیت*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
- سعید، ادوارد، *تسرق شناسی*، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- سیوطی، جلال الدین، *الانتقان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، مکتبه دارالتراث، بی تا.
- شاه بیگی، حامد و محمدعلی رضایی اصفهانی، «بررسی دیدگاه های مستشرقان درباره نسخ آیات قرآن»، ۱۳۹۷، *قرآن پژوهی خاورشناسان*، ش ۲۵، ص ۸۶۳.
- شریفی، علی، *بررسی و نقد دیدگاه های مستشرقان درباره نسخ قرآن کریم*، رشت، مبین، ۱۳۸۷.
- طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۳.
- _____، *قرآن در اسلام*، تحقیق سیدهادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۳۹.
- طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۷ق.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمدابو الفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
- عریضی، علی حسن، *فتح المنان فی نسخ القرآن*، مصر، مکتبه الخانجی، ۱۹۷۳م.
- عسکری، سیدمرتضی، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، قم، دانشکده اصول الدین، ۱۴۳۱ق.
- علم الهدی، سیدمرتضی، *النزیرة الی اصول الشریعه*، تصحیح ابوالقاسم گرگی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

- فخررازی، محمدین عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، دار الهجره، ۱۴۱۰ق.
- قدران قراملکی، محمدحسن «اسلام و نسخ ادیان»، ۱۳۷۸، *کیمهان اندیشه*، ش ۸۳ ص ۱۲۸-۱۴۶.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، *معارج الاصول*، قم، مؤسسه آل البيت للبطاعه و النشر، ۱۴۰۳ق.
- معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، سپهر، ۱۳۶۶.
- موسوی، سیدابراهیم، «رهیافتی فراموش شده از پدیده نسخ در کلام امامیه»، ۱۳۹۵، *تحقیقات کلامی*، ش ۴، ص ۹۸-۸۳.
- مولانا، حمید، «رسانه‌ها و انگاره‌سازی»، ۱۳۷۵، *رسانه*، سال هشتم، ش ۲، ص ۱۰-۱۷.
- مولایی‌نیا، عزت‌الله، *نسخ در قرآن*، تهران، رایزن، ۱۳۷۸.
- نوری زنجانی، محمداسماعیل، «آیات مرتبط با رخدادها؛ تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه»، ۱۳۹۵، *میلغان*، ش ۲۰۱، ص ۱۱-۲۴.
- نیل‌ساز، نصرت و همکاران، «بررسی ویژگی‌های اخلاقی یهود عصر پیامبر ﷺ و نقش آنان در شبهه تغییر قبله از منظر قرآن»، ۱۳۹۵، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ش ۲۶، ص ۱۱۹-۱۴۲.
- واقدی، محمدین عمر، *المغازی*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

Andrae, Tor, *Mohammed: The Man and His Faith*, London, Routledge, 2013.

Arnold, Thomas Walker, *the Preaching of Islam*, Westminster, A. Constable and Company, 1896.

Brockelmann, Carl, *History of the Islamic Peoples*, New York, Capricorn Books, 1960.

Draycott, G M, *Mahomet Founder of Islam*, New York, Dodd, Mead & company, 1916.

Gibb, Alexander Rosskeen Hamilton, *Mohammedanism: a Historical Survey*, London, Oxford University Press, 1969.

Gibbon, Edward, *Life of Mahomet*, Houghton, Mifflin, 1881.

Horn, A.S, *Oxford dictionary*, seventh edition, 2005.

Irving, Washington, *Life of Mohammed*, Ipswich Press, Ipswich Press, 1989.

Jeffery, Arthur, *Islam: Muhammad and His Religion*, New York, Liberal Arts Press, 1958.

Reeland, Adrianus, *four Treatises Concerning the Doctrine, Discipline and Worship of the Mahometanism*, London, J. Darby, 1712.

Rodinson, Maxime, *Muhammad*, London, Penguin Books, 1971.

Watt, William Montgomery, *Muhammad at Mecca*, London, Clarendon Press, 1953.

Wilhelm Koelle, Sigismund, *Mohammed and Mohammedanism*, London, Rivingtons, 1889.